
مردان بدون زن

مجموعه داستان

معارف مورا کامی

ترجمه

نیلوفر شریفی



انتشارات مروارید

سرشناسه:	موراكامی، هاروکی، ۱۹۴۹-م.
عنوان و نام پدیدآور:	Murakami, Haruki مردان بدون زن (مجموعه داستان) / هاروکی موراكامی؛ ترجمه‌ی نیلوفر شریفی
مشخصات نشر:	تهران: مروارید، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری:	۱۳۰ ص: مصور.
شابک:	978-964-191-475-4
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیبا
یادداشت:	De broodjesroof « کتاب حاضر از متن هلندی اثر با عنوان «verhalen Mannen zondr vrouw داستان‌های کوتاه ژاپنی - قرن ۲۰ م. Short stories, Japanese - 20 th century شریفی، نیلوفر، ۱۳۶۸ - مترجم. PL ۸۶۲ / ۴م ۱۳۹۵ ۸۹۵/۶۳۵ ۴۴۵۴۱۰۴
موضوع:	
موضوع:	
شماره افزوده:	
رده‌بندی کنگره:	
رده‌بندی دیویی:	
شماره کتابخانه ملی:	



مورارید

تهران، خیابان انقلاب، رو به روی دانشگاه تهران، پلاک ۱۱۸۸ / ص. پ. ۱۶۵۴ - ۱۳۱۴۵
دفتر: ۰۲۷-۶۶۴۸۴۰۲۷ فاکس: ۰۲۷-۶۶۴۸۴۰۲۷ فروشگاه: ۰۲۷-۶۶۴۶۷۸۴۸
<https://instagram.com/morvaridpub> - <https://telegram.me/morvaridpub>
www.morvarid-pub.co تخفیف و ارسال رایگان: ۰۲۷-۶۶۴۸۴۰۲۷

مردان بدون زن

(مجموعه داستان)

هاروکی موراكامی

ترجمه‌ی نیلوفر شریفی

تولید فنی: الناز ایلی

صفحه‌آرایی: تینا حسامی

چاپ اول بهار ۱۳۹۷

چاپخانه: کهنمویی‌زاده

تیراژ ۵۵۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۱-۴۷۵-۴ ISBN: 978-964-191-475-5

۱۲۵۰۰۰ ریال

فهرست

پیشگفتار	۵
مردان بدون زن	۱۱
سامسا عاشق می‌شود	۳۵
داستان‌های ساندویچ‌دزد	۷۱
ساندویچ‌دزد ۱	۷۳
ساندویچ‌دزد ۲	۸۵
بخشی از مصاحبه‌ی نیویورک‌تایمز و پاریس‌ریویو با کارآفرینی مهرآکامی	۱۲۳

پیشگفتار

هاروکی موراکامی ۱۹۴۹ در کیوتو (ژاپن) به دنیا آمد. پدر و مادر او استاد ادبیات ژاپنی بودند و همین دلبستگی خانواده به ادبیات، در جسم و روان او هم جاری بود. موراکامی زندگی سختی پشت سر گذاشت، تا آنجا که در رستوران‌ها به گارسونی پرداخت.

موراکامی در یکی از مصاحبه‌های خود می‌گوید: «چون پدرم استاد ادبیات بود، می‌خواستم کاری متمایز انجام دهم. از این رو آثار تولستوی، کافکا، و داستایفسکی را خواندم و بسیار شگفت‌زده شدم. می‌توانم بگویم... داستایفسکی هنوز قهرمان من است».

او نخستین رمانش را با عنوان *آواز باد را بشنو* در سال ۱۹۷۹ میلادی منتشر کرد. این رمان برنده‌ی جایزه‌ی ادبی *گونزو* شد. بعدها چند کتاب دیگر نیز منتشر کرد، اما جدی‌ترین دستاورد او در هنر نویسندگی با انتشار رمان *جنگل نروژی* در سال ۱۹۸۷ به دست آمد.

موراکامی در پی جنبش دانشجویی ژاپن در دهه‌ی ۱۹۶۰ وارد دانشگاه هنر و نمایش *واسیدای* توکیو شد و همین ورود، زمینه‌ی آشنایی او با

همسرش یوکو را فراهم کرد. ازدواج با یوکو در رشد و بالندگی مورااکامی تأثیر به‌سزایی داشت.

مورااکامی به اتفاق یوکو به اروپا سفر کرد و در سال ۱۹۹۱ در کشور آمریکا ساکن شدند. مورااکامی در رشته‌ی نویسندگی بورسیه شد و توانست به‌عنوان استاد مهمان در دانشگاه پرینستون نیوجرسی با علاقه‌مندان نویسندگی به گفت‌وگو بنشیند و تدریس کند.

اما بعدها در سال ۱۹۹۵ زلزله‌ای شهر کوبه‌ی ژاپن را لرزاند و فرقه‌ی *آئوم* به توهان پان‌دافتن جهان، هزاران نفر را روانه‌ی بیمارستان کرد. این فرقه در دو کار گروهی معنوی بود که ارزش‌ها و اعتقادات بودایی و هندو را تلفیق می‌کرد. *مُرس آئوم* شیریکو فردی به نام *چیزئو ماتسوموتو* معروف به شوکو *ساها* است. او مادرزادی نابینا بود.

این فرقه در ۲۰ مارس ۱۹۹۶ با الهام از *نوسترداموس* و با ادعای نزدیک شدن به پایان جهان، و وقوع جنگ جهانی سوم، با تبخیر گاز در متروی توکیو ژاپن، به مردم یورش برد که در پی آن سیزده نفر کشته و شش‌هزار نفر مجروح شدند. مورااکامی در خواب این حوادث به ژاپن بازگشت و یکی از آثار غیرداستانی‌اش را با عنوان *هال* در زمین در سال ۱۹۹۷ منتشر کرد. مورااکامی در این اثر به تفصیل به شرح و پدیدگی این فاجعه‌ی انسانی در متروی توکیو پرداخته است.

مورااکامی با تحقیق و پژوهش در زمینه‌ی ادبیات غرب آثار شب‌گیری در کارنامه‌ی خود دارد. او آثار نویسندگانی چون *اف. اسکات*، *میتز جرالند*، *ریموند کارور*، *ترومن کاپوتی*، و *جی. دی. سالینجر* را ترجمه کرده است. آثار مورااکامی تاکنون به هشتاد زبان دنیا ترجمه شده‌اند و در ایران به‌دلیل سبک نوشتاری‌اش، بسیار محبوب است. اما باید سال ۲۰۰۹ را نقطه‌ی عطفی در کارنامه‌ی مورااکامی به‌حساب آورد. او در این سال

توانست در صدر فهرست نویسندگان پرفروش جهان قرار بگیرد. از آثار برجسته‌ی موراکامی می‌توان به رمان *کافکا در کرانه* اشاره کرد که در سال ۲۰۰۲ به ژاپنی، در سال ۲۰۰۵ به انگلیسی، و در سال ۱۳۸۶ به فارسی منتشر شد. *جان آید/یک* نخواندن این کتاب را غیرممکن دانسته و خود موراکامی در یکی از مصاحبه‌هایش این کتاب را «ورزدهنده‌ی ذهن» نامید. این کتاب در فهرست ده کتاب برتر سال ۲۰۰۵ نشریه‌ی *نیویورکر* قرار گرفته است.

موراکامی از آثار دست نویسندگانی است که با رفتار ساده در زبان، توانسته از فراز بلایات‌های خود به درجه‌ای از نویسندگی برسد که امروز در بین مخاطبان *نویسنده‌ی* زبان‌ام را به نویسنده‌ای محبوب بدل ساخته. موراکامی در آفریده‌های خود با تخیل و نگاه رازآلود و ایجاد موقعیت‌های طنز و گفتمان دیالکتیکی در صحنه‌ی جاد فزای سوررئال است.

به عبارتی، داستان بلند *مرد/ز* به نرس شکست انسان معاصر است در برابر ارزش‌های زندگی. موراکامی با نگاه استیلایی خود، روایت را به اعماق می‌برد و در پی یافتن دریچه‌ای است برای نام‌مهندساختن جهانی که می‌آفریند و این فرایند انتقادی ریشه در تعالیات انسانی دارد.

انسانی که با اکراه به زندگی و حوادث غیرمعمول دست می‌دهد تا شگفتی خویش را از جهان پیرامونش ابراز کند و این تاریکی گناه آن چنان بر شخصیت‌ها و کاراکترها سایه می‌اندازد که بعد روانی آدمی را به رستاخیزی دیگر رهنمون می‌کند و گاه ساختن مدینه‌ی فاضله‌ی او با شکست منجر می‌شود؛ زیرا آدمی در سراسر دوران به رؤیاهایش چنگ می‌زند و در نتیجه‌ی درک نکردن زیبایی به ورطه‌ای هولناک سقوط می‌کند که بسیار غم‌انگیز است و موراکامی با ذکاوت و طبع آرامش، در دل و رؤیای آدمی مانند آب نفوذ می‌کند، تا قلب‌های سنگی را نرم کند.

زیرا این جهان دستخوش ایده‌های ناب‌خردانه‌ی انسان معاصر است. اگر جای‌جایِ این جهان خاموش را بکاویم، از دور ویرانه‌ای خواهیم دید، که بلاهت آدمی را نشان می‌دهد، و موراکامی به غایت زیبایی می‌اندیشد و با قلم لرزانش در دل این ویرانه‌ها در جستجوی گنجی است تا آرامش را به زمین برگرداند و با عرق‌ریزان روح به این جستجو ادامه می‌دهد.

موراکامی با گشودن دریچه‌های نو با فانوسی در دل تاریکی گام‌های بلند برمی‌دارد و با برجسته کردن ضعف‌ها، ناتوانی‌ها، و با نگاه انتقادی و زبان آیره‌نگار، ساحت زیست آدمی را به توبره می‌کشد. به تعبیری با نگاهی عمیق به داستان مردان بدون زن درمی‌یابیم، قلب مردان آن‌چنان که از دور به نظر می‌رسد از سنگ نیست بلکه، شکست عشقی برای مردان نیز می‌تواند تلخ و ناگوار باشد. در این داستان موراکامی گاه با ایجاد روایت‌های تودرتو، نوسان‌های عاطفی شدیدی در چشم‌انداز متن می‌گستراند. گاه شاعرانگی در آثار او چنان به اوج می‌رسد که در قرائت سویه‌های معنایی، گویی با شاعری تمام‌قد مواجهیم و این رفتار چنان با ظرافت شکل می‌پذیرد که زیبایی متن را به درد می‌آورد؛ و گاه با کنایه و رفتاری طنزآلود، چشم‌انداز متن از آن‌چنان نجات می‌یابد، و وارد فضایی دیگر می‌شود که دور از ذهن است و این زیبایی و زیبایی‌گویی اندوخته‌ی سال‌ها نوشتن است.

موراکامی معنای عشق را با سیر عظیمی از مؤلفه‌ها، در کتاب تا آنجا پیش می‌برد که خاطرات غبارگرفته را از خنکای خاک بیرون می‌کشد و به اجزای آن رنگی نو می‌زند. برخلاف برخی تصورات عمومی، موراکامی در این داستان نشان می‌دهد، مردها با آن جسم تنومند نیز می‌توانند، آسیب‌پذیر باشند و در برابر ناملایمات زندگی چطور با خاطره‌ای دور سال‌های متبادی روزگار بگذرانند. زیرا در فرهنگ زناشویی کشور ژاپن

از دیرباز رسم بر آن بوده که اگر زن و مردی از یکدیگر جدا می‌شوند حتی اگر پای بچه‌ای در میان باشد، دیگر حق ندارند به یکدیگر نزدیک شوند، حتی اگر از کرده‌ی خود پشیمان و سرخورده باشند. از همین رو موراکامی با نگاهی انتقادی این سنت را به سُخره می‌گیرد.

یکی از مؤلفه‌های سبک‌شناسی موراکامی نگاه جزئی‌نگر اوست. او با روایت سرکش و با تعلیقی بی‌نظیر دست مخاطب را می‌گیرد و تا آنجا که خرد از پیش تعیین کرده، پیش می‌برد و این فرایند در اغلب آثار موراکامی، نوعی «پایدار پیش روی مخاطب قرار می‌دهد و همین چرایی در عین سادگی، منحصر به فرد در بافت زبان، خواننده را غافلگیر و شگفت‌زده می‌کند. ارجاعات بی‌رون‌متنی در آفرینه‌های موراکامی گاه آن‌قدر جالب است که نشر ده ده نگاه عمیق او بر گستره‌ی جهان است.

دانش و اندوخته‌ی سال‌ها خواندن و نوشتن، او را در تراز نویسندگان بزرگ جهان قرار می‌دهد.

نیلوفر شریفی

آمستردام ۲۰۱۶